

پژوهش نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال پنجم ♦ شماره ۱۹ ♦ پاییز ۱۳۹۴  
صفحات: ۲۱- ۳۸ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۱ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲



## خلافت از دیدگاه سلفیه جهادی مرتضی محیطی\*

### چکیده

جریان سلفیه جهادی، گرایشی افراطی از سلفیه است که در نیم قرن گذشته با برداشت‌های تند از برخی افکار سید قطب ظهور کرده و مبنای فکری گروه‌هایی مانند القاعده، داعش و ... قرار گرفته است. گروه‌های سلفیه جهادی با فهم ناقصی از حقیقت اسلام و با شعار بازگشت به عزت اولیه مسلمانان و مبارزه با سیطره فرهنگ غرب بر جوامع اسلامی، در پی احیای خلافت اسلامی هستند تا به گمان خود حاکمیت و عبودیت خداوند و عدالت اجتماعی در جوامع بشری را محقق کنند. آنان با اجتهادگرایی افراطی، حکومت‌های موجود را حکومت جاهلی می‌دانند و حاکمان و مردمی را که راضی به حکومت آنها هستند تکفیر می‌کنند. سپس برای نجات مردم از بردگی حکومت‌ها پیروان خود را به هجرت ترغیب می‌کنند تا پس از تمرکز و قدرت‌یافتن، به جهاد با مخالفان خود برخیزند و خلافت اسلامی را برپا کنند.

**کلیدواژه‌ها:** سلفیه جهادی، سید قطب، خلافت، تکفیر، جهاد، حاکمیت و عبودیت.

## مقدمه

دوران حکومت طلایی مسلمانان در اندلس اسلامی، یادآور شکوه و عزت صدر اسلام بود. تا قبل از فروپاشی امپراتوری عثمانی نیز پیروان مکتب خلفا، خلأ حکومت اسلامی را احساس نمی‌کردند، اما با فروپاشی سلطنت عثمانی از یک سو، و استیلای دولت‌های غربی بر سرمایه‌های مسلمانان که همراه با نفوذ فرهنگ بیگانه به مرز و بوم اسلامی بود، از سوی دیگر، بعضی متفکران مسلمان مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و حسن البنا، در پی مبارزه با غرب‌زدگی و احیای حکومت اسلامی برآمدند و به منظور تحقق امت واحد اسلامی، گام‌هایی در راستای تقریب بین مذاهب اسلامی برداشتند و فعالیت سیاسی-حزبی را آغاز کردند، اما با غلبه تعصبات قومی بر ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی ناکام ماندند.<sup>۱</sup>

در نیمه دوم قرن بیستم گروه‌هایی از جوانان مصری، که اغلب گرایش‌های سلفی داشتند، با تأثیرپذیری از اندیشه‌های انقلابی سید قطب، از فعالیت آرام حزبی فاصله گرفتند و با ایده ایجاد حکومت اسلامی، حرکتی افراطی را بر پایه تکفیر و جهاد بنا گذاشتند، اما تلاش‌های این حرکت افراطی، نتیجه‌بخش نبود، و بسیاری از رهبران فکری اخوان المسلمین به شیوه حسن البنا، یعنی مدارا با حکومت، بازگشتند و گروهی نیز بر اجرای عملیات نظامی برای احیای خلافت تأکید کردند که نتیجه‌ای جز ایجاد فضای ناآرام اجتماعی نداشت.<sup>۲</sup> این حرکت جهادی، که گام‌های نخست خود را در مصر برداشت، در سال‌های اخیر به جریانی فکری تبدیل شده و با انتشار در بیشتر کشورهای اسلامی، باعث ناامنی و بروز مشکلات فراوانی شده است. امروزه با توجه به نابسامانی اوضاع کشورهای منطقه، ضروری است مبانی فکری سلفیه جهادی درباره چرایی و چگونگی خلافت اسلامی بررسی شود تا از یک سو به کیفیت تعامل با این جنبش‌ها واقف شویم و با تعدیل عقاید آنان، از هدر رفتن نیروی عظیم انسانی پیش‌گیری کنیم و از سوی

۱. عماد، عبدالغنی، الحركات الإسلامية في الوطن العربي، ج ۱، ص ۶۴-۶۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۹.

دیگر با آسیب‌شناسی این جریان‌ها و اصلاح آن، راه را برای تحقق حکومت یکپارچه اسلامی، فرا روی تمام مسلمانان جهان هموار سازیم.

## بخش اول؛ مفاهیم و مبانی فکری

### مفهوم «سلفیه جهادی»

از آنجا که اصطلاح «سلفیه جهادی» اصطلاح جدیدی است، تعاریف مختلفی از آن داده شده، اما بهترین و جامع‌ترین تعریف را عبدالغنی عماد<sup>۱</sup> دارد. وی می‌گوید سلفیه جهادی، به گروه‌هایی از سلفیه گفته می‌شود که مدارا و تساهل با حاکمان موجود و تغییر تدریجی افکار مردم برای ایجاد خلافت را نپذیرفته‌اند و جهاد و عملیات نظامی را تنها راه احیای خلافت اسلامی می‌دانند.<sup>۲</sup>

آنان با فهم ناقصی از اسلام، جهاد را بر هر چیز مقدم می‌دارند و برای برپایی خلافت اسلامی، با مخالفان خود ستیز می‌کنند. از نظر آنان، تمام مسلمانان به دلیل پذیرش یا سکوت در برابر فرهنگ غرب و حاکمانی که به «غیر ما انزل الله» حکم می‌کنند، کافر و عدو قریب<sup>۳</sup> (دشمن نزدیک) خوانده می‌شوند و آمریکا و اسرائیل، عدو بعید (دشمن دور) نام دارند.<sup>۴</sup>

### مفهوم «خلافت»

خلافت در اصطلاح، به معنای نیابت از پیامبر اکرم ﷺ در اداره تمام امور دینی و دنیوی جامعه است، که از آن به «امامت کبری» نیز تعبیر می‌شود. در واقع امامت و خلافت، معنایی نزدیک به هم دارند با این تفاوت که کاربرد امامت عام است و امامت در

۱. عبدالغنی عماد، نویسنده و کارشناس مسائل سیاسی و مدیر مرکز بررسی‌های جریان‌ها و حرکات اسلامی در مصر است.

۲. همان، ج ۱، ص ۹۸.

۳. درباره دشمن نزدیک و دور بین سلفیه جهادی اختلاف است. القاعده، که یکی از گروه‌های جهادی است، آمریکا و اسرائیل را دشمن نزدیک می‌داند.

۴. فرمانیان، مهدی، تاریخ تفکر سلفی گری، ص ۴۸-۴۹.

نماز یا یک علم را نیز شامل می‌شود، اما خلافت، به معنای امامت کبری و ریاست جامعه اسلامی است.<sup>۱</sup> رشید رضا، که از متفکران سلفی معاصر است، این تعریف را از کلام تفتازانی و ماوردی نقل، و آن را تأیید می‌کند.<sup>۲</sup>

در بیان ارتباط خلافت با حکومت نیز باید گفت تشکیل حکومت اسلامی به جای خلافت اسلامی اندیشه‌ای بود که پس از انحلال خلافت عثمانی و تبدیل سرزمین‌های این امپراتوری به کشورهای کوچک مطرح شد تا با تشکیل دولت‌شهرهای اسلامی خسارت نبود خلافت بزرگ اسلامی را تا حدودی جبران کند.<sup>۳</sup>

### مبانی فکری سلفیه جهادی

مبانی فکری سلفیه جهادی، که امروزه آبشخور جریان‌های افراطی مانند داعش شده است، نقش مهمی در ترسیم اهداف و راه‌کارهای آنان برای ایجاد خلافت اسلامی دارد. از این رو لازم است مهم‌ترین مبانی فکری آنان ارزیابی شود.

### انحصار حاکمیت و عبودیت برای خداوند؛ مهم‌ترین مبنای فکری سلفیه

#### جهادی

ارتباط مسئله حاکمیت خداوند با خلافت اسلامی را ابوالاعلی مودودی در نیمه اول قرن بیستم وارد مباحث اجتماعی و سیاسی کرد. از نظر او، توحید، رسالت و خلافت سه رکن اصلی دین اسلام است و حکومت فقط حق خدا است. وی هدف از ایجاد خلافت اسلامی را عمل کردن به موجبات رضایت خداوند می‌داند.<sup>۴</sup> سید قطب، متفکر بزرگ سلفیه جهادی نیز با تأثیرپذیری از مودودی، در جای‌جای آثارش حاکمیت خداوند را از بارزترین ویژگی‌های الوهیت و اساس دین معرفی کرد و با مقایسه نظام‌های فکری بشری

۱. عبد الرحمان، محمود، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲. رشید رضا، محمد، الخلافة أو الامامة العظمی، ص ۱۷.

۳. جعفریان، رسول، «پیش به سوی حکومت اسلامی»، در: مجله شهروند، اردیبهشت ۱۳۸۷.

۴. مودودی، ابوالاعلی، نظام الحياة فی الاسلام، ص ۱۹-۲۰.

با شریعت اسلام، قوانین الهی را که تبلور حاکمیت خداوند است، دارای برتری‌های منحصر به فرد دانست که عبارت‌اند از:

۱. مبدأ الهی دارد و مطابق با نیازهای فطری بشر است.
  ۲. به صورت اصول کلی و البته قابل تفصیل بیان شده است.
  ۳. شامل مصالح فرد و جامعه و اساس حکومت است.
  ۴. بر اساس ارزش‌های اجتماعی بنا شده که قابل پیشرفت است.
- از این رو سید قطب روی آوردن به تعالیم اسلام را تنها راه سعادت بشر قلمداد می‌کند<sup>۱</sup> و می‌گوید هر کس از پیش خودش ادعای حق حاکمیت بر مردم داشته باشد، ادعای الوهیت کرده است.<sup>۲</sup> معیار حاکمیت از نظر او، هوا و هوس، عقل بشری، ملیت، انسان‌بودن یا اجتماعی‌بودن نیست، بلکه تنها معیار حاکمیت، سخن خدا و پیامبر او است که اصل اولی دین، یعنی پذیرش عبودیت خدا است.<sup>۳</sup> بر همین اساس، سید قطب عبودیت خداوند را شامل تمام موجودات عالم غیب و شهود در دنیا و آخرت دانسته و آن را قاعده اساسی تمام تصورات اسلامی می‌داند<sup>۴</sup> و در تفسیر آیه «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا نَاحِيَةً»<sup>۵</sup> می‌گوید خداوند افرادی را که با نام مسلمان در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند و به شهادتین اقرار دارند، اما حاکمیت خداوند به معنای پیروی از قوانین الهی را نپذیرفته‌اند و از قوانین بشری تبعیت می‌کنند مسلمان نمی‌داند.<sup>۶</sup>

۱. سید قطب، نحو مجتمع الاسلامی، ص ۳۸.

۲. همو، مقومات التصور الاسلامی، ص ۱۸۱.

۳. همان، ص ۱۷۰.

۴. همان، ص ۸۱.

۵. سوره نساء (۴)، آیه ۶۵.

۶. سید قطب، مقومات التصور الاسلامی، ص ۱۶۹.

سید قطب با بیان اینکه جاهلیت امروز، حاکمیت را به بشر واگذار کرده و عده‌ای از آن‌ها را معبود عده‌ای دیگر ساخته است، این حکومت‌ها را حکومت کفر می‌داند و می‌گوید هدف اسلام و اساس دعوت همه انبیای الهی، تحقق حاکمیت و سلطنت خداوند در همه شئون زندگی بشر، و بندگی انسان در برابر او است.<sup>۱</sup>

سید قطب رسیدن به عدالت اجتماعی را یکی از اساسی‌ترین نتایج تحقق حاکمیت خداوند در زمین می‌داند و با تکیه بر این مطلب که اسلام برنامه کامل زندگی و هدایت برای همه بشریت است، می‌گوید اسلام فقط هدایت صرف نیست، بلکه پدیدآورندهٔ باور به معنویت و حامی ضعیفان و دشمن ظالمان است. تبعیض و بی‌عدالتی با روح اسلام ناسازگار است و اجرای قوانین اسلام ضامن گسترش عدالت در جامعه انسانی است.<sup>۲</sup> منظور از عدالت اجتماعی، فقط عدالت در اقتصاد نیست، بلکه اسلام، عدالت انسانی را به ارمغان می‌آورد که بر دو رکن محکم استوار است؛ یکی، قلب و وجدان انسان که بر مدار تقوا کار کند؛ و دیگری، قانون‌گذاری صحیح در محیط اجتماع، که به ایجاد یک نظام اجتماعی متعادل می‌انجامد<sup>۳</sup> و پیدایش چنین عدالتی در گرو ایجاد نظام حکومت اسلامی است.<sup>۴</sup>

پس از سید قطب و با ظهور سلفیهٔ جهادی، اندیشه‌های وی رونق بیشتری گرفت. ایمن الظواهری، رهبر فکری القاعده نیز با تأیید اندیشه سید، حاکمیت را اصلی‌ترین ویژگی الوهیت خداوند می‌داند<sup>۵</sup> و می‌گوید توحید، جدا از حاکمیت شریعت نیست.<sup>۶</sup> همچنین، ابومحمد مقدسی، از رهبران فکری سلفیهٔ جهادی، توحید و حاکمیت خداوند

۱. همو، معالم فی الطريق، ص ۴۵ و ۹۲؛ بن لادن، اسامه، النزاع بین حکام آل سعود والمسلمین، ص ۲، در سایت منبر التوحید والجهاد.

۲. همان، ص ۲۶؛ قطب، سید، نحو مجتمع الاسلامی، ص ۵۶.

۳. سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۹۶ و ۹۷.

۴. همان، ص ۱۱۲.

۵. الظواهری، ایمن، اعزاز رأیة الاسلام، ص ۹، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۶. همو، الکتاب الجامع لکلمات و رسائل الشیخ ایمن، ص ۹، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

را اصل اصول دین و هدف آفرینش و بعثت انبیا می‌داند که همه نزاع‌ها در دنیا برای آن صورت گرفته است.<sup>۱</sup> سلفی‌های جهادی با چنین مبنای فکری، و با توجه به وضعیت موجود جهان اسلام، که از نظر آنان حاکمیت بارز کفر است، احیای خلافت اسلامی را ضرورت می‌دانند.

### ضرورت احیای خلافت اسلامی

از نظر سلفیۀ جهادی، احیای خلافت اسلامی تنها راه برای تحقق حاکمیت خداوند است. مودودی، که تأثیر زیادی بر افکار سلفیۀ جهادی داشته است، خلأ وجود یک حکومت یکپارچه اسلامی را به‌خوبی احساس کرده و مشکل جوامع بشری معاصر را نه عبادت اصنام و اوثان، بلکه تن‌دادن به حاکمیت حاکمان فاسد می‌داند.<sup>۲</sup> محور اندیشه سیاسی - اجتماعی سید قطب نیز ایجاد حکومت الهی بر مبنای قوانین اسلام بود. او نیز فقدان رهبری الهی را اساسی‌ترین مشکل جامعه جهانی قلمداد کرده، برای تحقق حاکمیت خداوند، بر احیای امت اسلامی تأکید می‌کند.<sup>۳</sup>

عبدالسلام فرج، رهبر گروه «الجهاد»، لزوم ایجاد خلافت اسلامی را اجماعی می‌داند<sup>۴</sup> و می‌گوید اعاده خلافت اسلامی از اوامر خداوند است و بر هر مسلمان واجب است برای تحقق آن، از هیچ تلاشی دریغ نکند.<sup>۵</sup>

بن‌لادن؛ از رهبران القاعده، نیز با استشهاد به روایات نبوی، تنها راه اجرای دستورهای دینی در جامعه را برپایی دولت اسلامی می‌داند.<sup>۶</sup> چنانچه عبدالله عزام، از رهبران القاعده، برپایی خلافت در زمین را واجب شرعی می‌داند<sup>۷</sup> و ابوقتاده فلسطینی، که

۱. ابو محمد المقدسی، التوحید والجهاد، ص ۲، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۲. مودودی، ابوالاعلی، نظریة الاسلام و هدیة فی السیاسیة، ص ۱۹.

۳. قطب، سید، نشانه‌های راه، ص ۱-۹.

۴. «ولقد أجمع المسلمون على فرضية إقامة الخلافة الإسلامية...»، عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد فريضة الغائبة، ص ۵.

۵. همان، ص ۳.

۶. بن‌لادن، اسامه، توجیهات منهجیة ۱، ص ۳-۶، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۷. نک: عزام، عبدالله، الاسئلة والاجوبة الجهادیة، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

یکی از رهبران فکری سلفیه جهادی است، می‌گوید مسئله دولت در دین الهی جایگاه مهمی دارد و بدون آن اسلام بر پا نمی‌شود و ثمره‌ای ندارد<sup>۱</sup> و برپایی دولت اسلامی به حکم قرآن و سنت، واجب شرعی است.<sup>۲</sup>

ذکر این نکته نیز مهم است که سلفیه جهادی ائتلاف با سایر احزاب برای تشکیل حکومت را با حاکمیت الهی در تعارض می‌بیند. عبدالله عزام چنین ائتلافی را به دولتی تشبیه می‌کند که رئیس آن ابوجهل و نخست‌وزیرش پیامبر باشد.<sup>۳</sup>

## بخش دوم: راه کارهای سلفیه جهادی برای احیای خلافت

### سیر کلی

قبل از بیان راه کارهای سلفی‌های جهادی برای تحقق خلافت، سیر کلی راه کارهای آنان برای تحقق خلافت را بیان می‌کنیم.

برنامه متفکران سلفیه جهادی برای احیای خلافت را می‌توان در دو مرحله بیان کرد: مرحله مفهوم‌سازی و مرحله میدانی. آنان ابتدا با توسعه مفهوم اجتهاد در دین، خود را در جایگاه اسلام‌شناس قرار دادند و با مراجعه به ظواهر متون دینی و تطبیق وضعیت کنونی جامعه با تاریخ صدر اسلام، اوضاع نابسامان امت اسلامی را تحلیل کردند.<sup>۴</sup> از نظر سلفی‌های جهادی، عامل اصلی این نابسامانی، فساد حکام و سیطره غرب بر بلاد اسلامی است که آن نیز معلول فقدان حاکمیت خداوند بر بشر است.<sup>۵</sup> آنگاه تنها راه حل این بحران را بازگشت به بندگی خدا و حاکمیت او دیدند که فقط با ایجاد خلافت اسلامی

۱. ابو قتاده فلسطینی، الجهاد والاجتهاد، ص ۲۳، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۲. همان، ص ۱۲۹.

۳. عزام، عبدالله، التامر العالمی، ص ۱۹، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۴. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ج ۱، ص ۶۹ و ۷۰؛ ادعای اجتهاد به صرف مطالعه چند کتاب از سوی شکری احمد مصطفی.

۵. سید قطب، نشانه‌های راه، ص ۱۱۶؛ المقدسی، ابومحمد، الکواشف الجلیة فی کفر الدولة السعودية، ص ۴، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

محقق می‌شود.<sup>۱</sup> آنان عملکرد پیامبر اسلام ﷺ در تبدیل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی را الگوی خود قرار دادند<sup>۲</sup> و بر اساس اجتهاد خود، جوامع موجود را جوامع جاهلی خواندند و حاکمان و هر کس را که راضی به حکومت آنان باشد تکفیر کردند.<sup>۳</sup> سپس همفکران خود را به هجرت از بلاد کفر (جوامع موجود) و ایجاد جماعت پیشتاز توحیدی دعوت کردند<sup>۴</sup> و در اجرای این برنامه، بر جهاد و خشونت تکیه کردند.<sup>۵</sup> البته باید گفت در میان متفکران سلفیه جهادی، سید قطب تربیت دینی افراد جامعه را از ارکان ایجاد نظام اسلامی می‌دانست، اما پس از وی، بیش از آنکه به مقوله تربیت توجه شود، جهاد و خشونت به کار رفت.

ارکان برنامه سلفیه جهادی عبارت‌اند از:

### بازکردن باب اجتهاد

با اینکه اجتهاد از مباحثی است که دین اسلام به آن ترغیب کرده است،<sup>۶</sup> اما اغلب اهل سنت در این خصوص، برخلاف امامیه، بر تقلید از ائمه سلف تأکید می‌کردند و اجتهاد در دین را برای خود روا نمی‌دانستند، تا اینکه ابن تیمیه، مسئله لزوم اجتهاد بر مبنای رجوع به ظواهر متون دینی و فهم سلف را مطرح کرد.<sup>۷</sup> سلفی‌های جهادی نیز با الهام از تفکر ابن تیمیه، مفهوم اجتهاد را وسعت دادند تا آرا و افکار خود را در پوشش اجتهاد، مشروعیت ببخشند و راه را برای به دست گرفتن رهبری فکری جوانان مسلمان و ایجاد خلافت اسلامی هموار کنند.

۱. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ص ۱۲۸.

۲. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۳۵ و ۳۶.

۳. همو، مبانی تفکر اسلامی، ص ۳۱.

۴. همو، نشانه‌های راه، ص ۱۱۳.

۵. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ج ۱، ص ۱۳۴.

۶. «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»؛ سوره توبه (۹)، آیه ۱۲۲.

۷. «ومن عدل عن مذاهب الصحابة والتابعين وتفسيرهم إلى ما يخالف ذلك كان مخطئاً في ذلك، بل كان مبتدعاً وإن كان مجتهداً مغفوراً له خطؤه»؛ ابن تیمیه، احمد بن عبد الحليم، مجموع الفتاوى، ج ۱۳، ص ۳۶۱.

رهبران سلفیه جهادی در بحث اجتهاد و تقلید از مبانی سید قطب فراتر رفته‌اند و داشتن شرایط حداقلی را برای اجتهاد کافی می‌دانند. به همین دلیل، اغلب مجتهدان آنان، فاقد تحصیلات دینی کافی هستند و کتاب معتبری در موضوعات دینی ننوشته‌اند، چنانچه در انجمن‌های علمی یا هیئت‌های افتائی کشورهای اسلامی، عضو نیستند. حتی بعضی از رهبران آنان، صرف آشنایی با ادبیات عرب و فهم ظواهر متون دینی را برای اجتهاد کافی می‌دانند،<sup>۱</sup> چنانچه صالح سریه، رهبر حزب التحریر، با دعوت به تفکر دینی و نهی از جمود بر سخنان فقها، معتقد است یکی از مشکلاتی که از قرن سوم تا به امروز گریبان‌گیر علمای اسلام شده، غفلت از سخنان پیامبر ﷺ و اعتماد به رأی رجال دین است. او آثار فقها، اصولیان، مفسران و صوفیان را مملو از احادیث جعلی می‌داند.<sup>۲</sup> صدور حکم هجرت و جهاد، تکفیر مسلمانان، و تحریم بعضی آداب و رسوم ملی و بین‌المللی از پیامدهای چنین اندیشه‌ای است.<sup>۳</sup>

### جاهلی خواندن دولت‌ها و ملت‌های موجود

سید قطب روی‌گردانی جامعه از الوهیت و حاکمیت خداوند را، فرو غلتیدن در ورطه جاهلیت می‌نامد که به اشکال مختلف و نظام‌های متعدد در جامعه بشری ظهور کرده است. از نظر او، مردمی که راضی به حاکمیت قوانین بشری بر جامعه شده‌اند، فرقی با حکام فاسد ندارند و همه در صفت جاهلیت، شریک هستند و اسلام را از اساس قبول ندارند و اسلام نیز حق موجودیت برای آن‌ها قائل نیست.<sup>۴</sup> از نظر سید قطب، احیای

۱. ایمن الظواهری در پاسخ به یکی از افراد القاعده که می‌پرسد «آیا اجتهادات مجاهدین که گاهی با سنت قطعی تعارض دارد اعتبار شرعی دارد؟» بدون هیچ ردی بر این اجتهادات، می‌گوید: «انصاف مطلوب است»؛ الظواهری، ایمن، الکتاب الجامع لکلمات...، ص ۴۸۷، سایت منبر التوحید والجهاد.

۲. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷.

۳. همان، ص ۳۷.

۴. سید قطب، مبانی تفکر اسلامی، ص ۳۱.

خلافت اسلامی و تحقق حاکمیت خداوند بدون مبارزه و از بین بردن جوامع جاهلی امکان‌پذیر نیست.<sup>۱</sup>

همچنین، صالح سریه، از رهبران فکری سلفیه جهادی، با استناد به دلایلی از کتاب و سنت، مانند آیه «وَمَنْ لَّمْ يُخِمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۲</sup> حکومت‌های همه کشورهای اسلامی را کافر و جوامع اسلامی را جوامعی جاهلی می‌نامد.<sup>۳</sup> وی حضور مشترک مردان و زنان در اماکن عمومی، آشکارا دشنام‌دادن به خدا و دین، ترک علنی فرائض اسلام، وجود شراب و قمار و زنا، گسترش دروغ و فساد و حيله‌گری را نشانه جاهلیت این جوامع برمی‌شمارد.<sup>۴</sup> از نظر رهبران معاصر سلفیه جهادی، مانند ایمن الظواهری نیز جاهلیت، یک دوره خاص تاریخی نیست، بلکه هر حکومتی که بر پایه امیال بشری اداره شود حکومت جاهلی است.<sup>۵</sup>

### تکفیر مخالفان

سلفی‌های جهادی پس از بازکردن باب اجتهاد، مفاهیمی مانند «جهل» و «کفر» را توسعه دادند و جوامع موجود را جاهلی خواندند و پیروان خود را برای ایجاد یک تشکل انقلابی و اصلاح‌گر به هجرت از جوامع موجود، دعوت کردند. آنان در مرحله بعد، حاکمیت دولت‌های فاسد را خروج از جاده توحید و عامل اصلی ذلت مسلمانان دانستند و با تکفیر حکومت‌ها و مخالفان خود راه را برای مراحل عملی حرکت خود، که همانا هجرت و جهاد برای تحقق خلافت است، گشودند.<sup>۶</sup>

۱. همو، نشانه‌های راه، ص ۷۴.

۲. سوره مائده (۵)، آیه ۴۵؛ و هر که مطابق آیات الهی داوری نکند، آن‌ها حقاً ستمگرند.

۳. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ج ۱، ص ۴۰.

۴. همان، ص ۴۱.

۵. الظواهری، ایمن، اعزاز راية الاسلام، ص ۱۶، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۶. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ج ۱، ص ۳۳.

سلفی‌های جهادی به قدری دایره کفر را گسترده‌اند که اغلب مسلمانان را در بر می‌گیرد. شرک و کفر نزد سلفی‌های وهابی شامل عبادات و عقاید فردی، مانند توسل به اولیا، نذر، شفاعت، زیارت قبور، و ... می‌شود، اما شرک و کفری که سلفی‌های جهادی به آن معتقدند تقریباً همه شئون زندگی فردی و اجتماعی شخص را در بر می‌گیرد.

از نظر سلفی‌های جهادی، پیروی از اندیشه‌های نو یا گرویدن به مکاتب فکری و فلسفی، عضویت در احزاب سیاسی، و اشتغال در ادارات و سازمان‌های دولتی چنانچه در جهت اهداف و منافع گروه‌های سلفی نباشد منجر به کفر شخص می‌شود.<sup>۱</sup> آنان همه دولت‌های اسلامی، از جمله دولت مصر، را کافر می‌دانند<sup>۲</sup> و هر گونه حمایت از دولت یا همکاری با آن و حتی اجرای قوانین دولتی را ممنوع کرده‌اند.<sup>۳</sup> همچنین، سازمان‌ها و کشورهای اسلامی را به سبب اتخاذ روش‌ها و قوانینی غیر از قوانین کتاب و سنت، کافر تلقی می‌کنند و این کفر جدید را شدیدتر از کفر مشرکان عصر جاهلیت می‌پندارند.<sup>۴</sup>

عبدالسلام فرج با تطبیق اوصاف سلاطین مغول بر حکام کشورهای اسلامی، آنان را کافر می‌داند و جهاد در مقابل ایشان را از واجبات شرعی می‌شمارد.<sup>۵</sup> صالح سریه نیز، قواعدی را برای «تکفیر» مردم به کار می‌بندد که عبارت‌اند از:

قاعده اول: ایمان به خدا مقتضی پذیرش نظام و شرایع الهی است. حال اگر بشر از اجرای برنامه الهی، که خداوند برای او مقرر کرده، سر باز زند و درصدد قانون‌گذاری و ترسیم برنامه جدیدی برای زندگی باشد کافر می‌شود.

قاعده دوم: اسلام، دین کاملی است و کسی که بخشی از آن را بپذیرد و بخش دیگر را رها کند کافر است.

۱. همان، ص ۴۲-۴۴.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۴۳ و ۴۴.

۴. همان، ص ۳۳.

۵. عبدالسلام فرج، محمد، فريضة الغائبة، ص ۱۱-۱۳.

قاعده سوم: ایمان شامل سه رکن است: باور قلبی، اقرار زبانی، و التزام عملی؛ که با از بین رفتن هر کدام از این ارکان، می‌توان اشخاص را به کفر محکوم کرد و ریختن خون فرد کافر و مصادره اموال وی حلال است.<sup>۱</sup>

اسامه بن لادن نیز، به پیروی از سید قطب، با توسعه مفهوم کفر، هر حاکمی را که با دولت‌های غیرمسلمان همکاری کند یا اهتمام کامل به اجرای حداکثری قوانین اسلام در کشورش نداشته باشد کافر می‌خواند و قیام علیه او را واجب می‌داند.<sup>۲</sup>

روشن است که بر اساس این قواعد کمتر کسی از اتهام کفر، بری خواهد بود. در واقع، اندیشه‌ها و آرای سلفی‌های جهادی این نکته را تصدیق می‌کند که حربۀ تکفیر، جوازی برای انجام هر گونه عملیات جهادی است. آنان غافل‌اند از اینکه رسول خاتم صلی الله علیه و آله، ایمان افراد را با دو کلمه (شهادتین) می‌پذیرفت و آن را حاکی از باور باطنی آنان می‌دید. از این رو از مسائل کلامی و فقهی و امثال این‌ها نمی‌پرسید.<sup>۳</sup>

### تحقق جماعت پیشتاز و ترغیب به هجرت

از دیگر مراحل عملی حرکت سلفیۀ جهادی، ترغیب پیروان خود به هجرت از بلادی است که زیر نظر حکام غیراسلامی اداره می‌شود و مردم در آن بلاد قادر به اظهار دین خود نیستند.<sup>۴</sup> سید قطب پس از بیان راه علاج خروج از بندگی بشر در برابر بشر، تحقق جمعیتی پیشتاز با تربیت قرآنی را مطرح می‌کند و هجرت از جوامع جاهلی را، که «دار الحرب» می‌نامد، برای تحقق چنین جماعت پیشتازی لازم می‌داند.<sup>۵</sup> عبدالسلام فرج نیز در رساله الفریضة الغائبة بحث هجرت از «دارالکفر به دارالایمان» و جهاد را مطرح

۱. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ج ۱، ص ۴۴-۴۹.

۲. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۹۲؛ بن لادن، اسامه، النزاع بین حکام آل سعود والمسلمین، ص ۲، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۳. سبحانی، جعفر، مجموعه مقالات کنگره تکفیر، ج ۱، ص ۱۱.

۴. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ج ۱، ص ۱۳۴.

۵. سید قطب، نشانه‌های راه، ص ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۲۱.

می‌کند،<sup>۱</sup> و تحقق خلافت اسلامی را متوقف بر وجود هسته‌های اولیه‌ای (تعبیر دیگری از همان جماعت پیشتاز) می‌داند که این جماعت باید دولت اسلامی تشکیل دهد.<sup>۲</sup> همچنین، ایمن الظواهری، رهبر القاعده، با نقل سخنان سید قطب، تمام جوامع امروزی را به دلیل اجرانکردن شریعت خداوند جوامع جاهلی نامیده و کفر آنان را بالاترین کفر خوانده است و بر عقلا واجب دانسته که از آنان دوری (هجرت) کنند.<sup>۳</sup>

### استفاده ابزاری از جهاد

سلفی‌های جهادی، که آرمان خاتمه‌دادن به بندگی بشر در برابر بشر را منوط به تشکیل خلافت اسلامی می‌دانند،<sup>۴</sup> پس از تکفیر مخالفان و هجرت از بلاد کفر، از جهاد به مثابه تنها ابزار برای سرکوب مخالفان بهره می‌برند. در تفکر سلفیه جهادی حتی می‌توان جهاد را فراتر از راه‌کار، بلکه بخشی از عقاید و مبانی آنها دانست، چنانچه سید قطب جهاد در اسلام را نه ابزار تحمیل عقیده، بلکه بخشی از طبیعت برنامه اسلام می‌داند که برای آزادکردن انسان‌ها از یوغ بندگی غیرخدا به کار می‌رود. از نظر او، روشن است که حاکم کردن قوانین خدا در زمین، با تبلیغ و نصیحت کردن حکام فاسد میسر نمی‌شود و باید در این راه جهاد کرد.<sup>۵</sup>

عبدالسلام فرج، رهبر گروه الجهاد مصر نیز، جهاد را واجب عینی می‌داند و می‌گوید جهاد تنها راه و بهترین روش برای اعتلای توحید و برپایی دولت اسلامی است.<sup>۶</sup> او مجاهدان غیردانشمند بسیاری را که از زمان پیامبر تاکنون سبب عزت و پیروزی اسلام شده‌اند، بر دانشمندان الأزهَر برتری می‌دهد و درباره دلیل این برتری می‌گوید هنگام

۱. عبدالسلام فرج، محمد، الفریضة الغائبة، ص ۱۲۸-۱۳۵.

۲. «وإعلان الخلافة يعتمد على وجود النواة وهي الدولة الإسلامية»؛ همان، ص ۵.

۳. الظواهری، ایمن، اعزاز راية الاسلام، ص ۳، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۴. سید قطب، نشانه‌های راه، ص ۷۴.

۵. همان، ص ۷۴ و ۷۶.

۶. عبدالسلام فرج، محمد، الفریضة الغائبة، ص ۲۳.

هجوم ناپلئون به مصر، دانش علمای الأزهر سودی نبخشید، پس برنده‌ترین سلاح برای رویارویی و مقابله با کفار، جهاد است نه علم! البته وی در صدد تحقیر قدر و ارزش علم و علما نیست، بلکه نظرش این است که نباید فرایض الهی را با پرداختن به اموری مثل طلب علم، ترک کرد!<sup>۱</sup>

همچنین، عبدالله عزام، جهاد را تنها ضامن حفظ شعائر الهی و بندگی خدا می‌داند و بر آن تأکید می‌کند.<sup>۲</sup> او به پیروی از ابن تیمیه، آیه «وَمَنْ لَّمْ يُحِمْ بِمَآئِزِلَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۳</sup> را بر مسلمانانی تطبیق می‌کند که بر اساس عادات و قوانینی که امرای آنان وضع کرده‌اند زندگی می‌کنند. آنگاه کفر همه حکومت‌های اسلامی معاصر را نتیجه می‌گیرد و آنان را مانع تحقق حکومت اسلامی می‌پندارد و جهاد علیه آنان را واجب می‌شمرد.<sup>۴</sup>

ابومحمد مقدسی هم با استناد به سخن ابن تیمیه، که قوام دین را به هدایت‌گری و جهاد می‌داند، می‌نویسد: «ما می‌خواهیم محبوب‌ترین اصل را، که همان توحید است، با قوی‌ترین راه، یعنی جهاد، یاری کنیم تا توحید در زمین اقامه شود».<sup>۵</sup>

همین موضع فکری در نوشته‌های ابوبصیر طرطوسی نیز، که یکی از رهبران فکری داعش است، دیده می‌شود. او در پاسخ به کسانی که جهاد علیه نظام‌های فاسد برای تحقق خلافت اسلامی را نقد می‌کنند می‌گوید: «این اعتراض مخالفان در واقع اعتراض به خدا و پیامبر و رد حکم شرعی است که قیام امت، علیه رهبران کفر و طغیان را واجب کرده است».<sup>۶</sup>

۱. رفعت، سید احمد، النبی المسلح، ص ۱۳۵.

۲. السيرة الذاتية للشيخ عبدالله عزام، مقدمة، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۳. سوره مائده (۵)، آیه ۴۴.

۴. عزام، عبدالله، العقيدة و اثرها فی بناء الجیل، ص ۶۳، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۵. مقدسی، ابومحمد، التوحید والجهاد، ص ۲، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۶. طرطوسی، ابو بصیر، أسباب فشل بعض الحركات الجهادية فی عملية التغيير، ص ۱، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

سلفی‌های جهادی، جهاد هجومی (ابتدایی) را مانند جهاد دفاعی واجب دانسته‌اند و آن را وسیله نشر اسلام می‌شمردند.<sup>۱</sup> ابوقتاده فلسطینی جهاد را بالاترین مظهر قدرت، و اجتهاد را وسیله رسیدن به معرفت می‌داند و می‌گوید: «ارتباط دادن قدرت به معرفت، منجر به تشکیل سلطه فراگیر می‌شود».<sup>۲</sup> وی با استناد به روایت نبوی «ما ترک قوم الجهاد إلا ذلوا» ترک جهاد را سبب ذلت، و خروج از ذلت را در گرو جهاد می‌داند.<sup>۳</sup> ابوقتاده، جهاد را تنها راه احیای خلافت اسلامی قلمداد می‌کند و آن را واجب می‌داند، و در رد تعامل مسالمت‌آمیز با جامعه جاهلی می‌گوید جهاد باعث تولید ثروت در جامعه می‌شود، چه اینکه پیامبر فرمود: «رزق من در سایه نیزه‌ام قرار داده شده است»، پس دستیابی به رهبری حقیقی، در ظرف صحیح آن واقع می‌شود که همان جهاد در راه خدا است.<sup>۴</sup>

ابوحمزه مهاجر، از دیگر متفکران داعش، نیز معتقد است هر موحدی باید بداند که جهاد برای اعاده خلافت اسلامی، وظیفه خطیری است که راهی جز آن نیست.<sup>۵</sup> ابوعمر سیف، از دیگر رهبران گروه‌های جهادی، می‌نویسد: «فإن دولة الاسلام قامت فی عهد النبی صلی الله علیه وسلم بالکتاب والجهاد، ولن تقوم مرة أخرى إلا بالکتاب والجهاد، ومن أراد قیامها بغیرهما فقد ضل السبیل»؛ «دولت اسلامی در زمان پیامبر بر پایه قرآن و جهاد ایجاد شد و بار دیگر نیز ایجاد نمی‌شود مگر با تکیه بر قرآن و جهاد، و هر کس از راهی جز این راه درصدد ایجاد آن باشد گمراه است».<sup>۶</sup>

سلفی‌های جهادی با فهمی ناقص از اسلام، مسئله «تحقق حاکمیت خداوند بر بشر» را مطرح کردند و برای تحقق آن مبارزه با سیطره فرهنگ غرب بر بلاد اسلامی را در دستور کار خود قرار دادند، اما با گذشت زمان و با روی کار آمدن گروه‌هایی مانند داعش،

۱. عبدالسلام فرج، محمد، الفریضة الغائبة، ص ۲۶.

۲. فلسطینی، ابوقتاده، الجهاد والاجتهاد، ص ۲، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۳. همان، ص ۸.

۴. همان، ص ۶۲.

۵. ابوحمزه مهاجر، الدولة النبویة، ص ۵، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

۶. سیف، ابوعمر، رسالة إلى العلماء وطلاب العلم والتجار، ص ۳، در: سایت منبر التوحید والجهاد.

النصره و ...، که اغلب متأثر از اندیشه ضدشیعی و هابیت‌اند، رویکرد فرهنگی - مذهبی آنان انحراف بیشتری یافت و کشتار مسلمانان، جای مبارزه با غرب را گرفت.

### نتیجه

تفکر سلفیه جهادی با سردادن شعار احیای حاکمیت خداوند در پی ایجاد خلافت اسلامی است. آنان با انحراف از آموزه‌های اسلامی و فقدان درک درست از مفاهیم دینی، مانند ایمان و شرک، و با رعایت نکردن شرایط اجتهاد، حاکمان و مردم کشورهای اسلامی را تکفیر می‌کنند و بلاد مسلمانان را دارالکفر می‌نامند. سپس هجرت از این کشورها و جهاد با مخالفان خود را تنها راه ایجاد حکومت اسلامی می‌شمرند.

حرکت سلفیه جهادی از یک سو با ترسیم چهره‌ای خشن از اسلام در خدمت پروژه اسلام‌هراسی با مدیریت غرب قرار گرفته است و از سوی دیگر، با روشن کردن آتش جنگ در منطقه، باعث تفرقه، ویرانی و ایجاد ناامنی شده است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم نژاد، محمد، داعش، قم: دار الاعلام لمدرسة اهل البيت (علیه السلام)، ۱۳۹۳ ش.
۳. ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحليم، **مجموع الفتاوى**، مدينة نبوية: مجمع الملك فهد، ۱۴۱۶ ق.
۴. جعفریان، رسول، «پیش به سوی حکومت اسلامی»، در: **مجله شهروند**، اردیبهشت ۱۳۸۷.
۵. رشید رضا، محمد، **الخلافة او الامامة العظمی**، بیروت، دار الطليعة، بی تا.
۶. رفعت، سید احمد، **النبي المسلح (ج ۱ = الرافضون)**، لندن: رياض الرئيس للكتب والنشر، ۱۹۹۱.
۷. سید قطب، **عدالت اجتماعی در اسلام**، ترجمه: سید هادی خسرو شاهی، قم: کلبه شروق، ۱۳۷۹ ش.
۸. \_\_\_\_\_، **مبانی تفکر اسلامی**، ترجمه: ابوبکر حسن زاده، تهران: احسان، ۱۳۸۷ ش.
۹. \_\_\_\_\_، **معالم فی الطريق**، قاهره: الاتحاد الاسلامی العالمی، بی تا.
۱۰. \_\_\_\_\_، **مقومات التصور الاسلامی**، قاهره: دار الشروق، الطبعة الثالثة، ۱۹۸۸ م.
۱۱. \_\_\_\_\_، **نحو المجتمع الاسلامی**، قم: دار الكتاب الاسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. \_\_\_\_\_، **نشانه های راه**، ترجمه: محمود محمدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. عبد الرحمان، محمود، **معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية**، دمشق: صفحات للدراسات والنشر، ۲۰۰۹ م.
۱۴. عبد السلام فرج، محمد، **الجهاد فريضة الغائبة**، قاهره: بی نا، ۱۹۸۱ م.
۱۵. عماد، عبد الغنی، **الحركات الاسلامية**، بیروت: مركز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۱۳ م.
۱۶. فرمانیان، مهدی، **تاریخ تفکر سلفی گری**، قم: دار الاعلام لمدرسة اهل البيت (علیه السلام)، ۱۳۹۳ ش.
۱۷. **مجموعه مقالات کنگره جریان های تکفیری**، به کوشش: مهدی فرمانیان، قم: دار الاعلام لمدرسة اهل البيت (علیه السلام)، ۱۳۹۳ ش.
۱۸. مودودی، ابوالاعلیٰ، **نظرية الاسلام و هدية فی السياسة والقانون والدستور**، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۶۹ م.

19. <https://archive.org/details/BarnamagMenbarALTawheedWaAlJehad>